

## سیر تکاملی نظم اداری و روح و شکل آن

### علی نخجوانی

در موضوع امروز که سیر تکاملی نظم اداری است، به جا و مناسب است که چند کلمه دربارهٔ اصلاح نظم اداری صحبت بداریم. این عبارت نظم اداری به تدریج اسم خاص شده است، یعنی فقط به معنی صفت نیست. حضرت ولیّ امرالله این اصطلاح را به کار برده‌اند. به زبان انگلیسی این مطالب را بیشتر بیان فرموده‌اند یعنی در توفیعات انگلیسی مبارک خطاب به احبّای غرب. بنده در آثار حضرت ولیّ امرالله به فارسی گمان می‌کنم فقط در یک مورد عبارت نظم اداری را زیارت کرده‌ام. در اغلب موارد عنوان نظم بدیع جهان آرای الهی استعمال شده. اما وقتی حضرت ولیّ امرالله به انگلیسی این مسائل را مطرح می‌فرمودند، عبارت Administrative Order را به کار می‌بردند. در قانون صرف و نحو زبان انگلیسی وقتی این اسم خاص بشود، آن حرف اول را حرف بزرگ می‌زنند. مثلاً در Administrative Order (نظم اداری) آن حرف A اول کپیتال (capital) است، حرف بزرگ است. حرف O هم در Order کپیتال است. این عبارت را حضرت ولیّ امرالله خودشان وضع فرموده‌اند. در آثار مبارک جمال اقدس ابهی یا حضرت عبدالبهاء این عبارات زیارت نمی‌شود.

به علاوه حضرت ولیّ امرالله در انگلیسی بین Administrative Order (نظم اداری) و New World Order (نظم بدیع جهان آرای الهی) فرق گذاشته‌اند و توضیح داده‌اند که این نظم اداری مقدمه و مرحله ابتدائی World Order است. مثل این می‌ماند که ما به یک نهالی نگاه می‌کنیم، در یک مقام می‌توانیم بگوئیم این نهال است و در یک مقام هم می‌توانیم بگوئیم این درخت است در صورتی که هنوز نهال است. و یا در مورد جنین در رحم مادر نمی‌گوئیم جنین در چه حالی است بلکه می‌گوئیم بچه در چه حالی است. به همین اعتبار من فکر می‌کنم حضرت ولیّ امرالله این نظم اداری را به عبارت نظم بدیع ذکر می‌فرمایند.

در ایران متأسفانه این کلمه نظم را درست نفهمیده بودیم. چون این کلمه نظم در کتاب مستطاب بیان هم هست "طوبی لمن ینظر الی نظم بهاءالله". جمال مبارک هم در کتاب اقدس

می‌فرمایند: «قد اضطرب النَّظْم من هذا النَّظْم الأعظم». این کلمه نظم را هم در کتاب بیان متوجّه نشده بودیم و هم در کتاب اقدس. حتّی در انتشارات ما هنوز هم شاید در دست احبّاء باشد که مقصود از نظم در اینجا شیوه و ترتیب آیات کتاب مستطاب اقدس است. یعنی نظم اعظم، نظم ادبی آیات را که در ادوار سابقه مرسوم بوده آشفته کرده است. تا این که در سال ۱۹۳۴ م رساله دور بهائی که به زبان انگلیسی مرقوم فرمودند (عنوان آن به زبان انگلیسی Dispensation of Baha'u'llah است) به ایران رسید. در این رساله مبارک، ترجمه آیه کتاب مستطاب اقدس و آیه کتاب مستطاب بیان به انگلیسی منتشر فرمودند و ما در ایران متوجّه شدیم که مسئله را بد فهمیده‌ایم و اینجا مقصود نظم عالم است. نظم عالم از ظهور این نظم اعظم مضطرب شده است. یعنی این نظم اعظم یک قوا و اثراتی دارد که ترتیب دنیا را به هم ریخته است.

چنانچه عرض شد، این نظم اداری مقدّمه نظم بدیع جهان آرای الهی است که در آینده ظاهر خواهد شد و این نظم بدیع جهان آرا مقارن خواهد بود با آغاز عصر طلایی حضرت بهاء‌الله. در مورد این مسئله بعداً توضیح بیشتری خواهم داد. و می‌فرمایند که این نظم اداری نه فقط مقدّمه و بشارت دهنده هست بلکه هسته مرکزی آن نظم بدیع خواهد شد. یعنی این نظم که ما الان داریم و اسمش نظم اداری هست، هسته مرکزی آن نظم جهان آرای آینده خواهد شد. هم هسته مرکزی و هم یک اصطلاحی است به انگلیسی که در ترجمه آن تقریباً مُدل یا الگو است، یعنی الگوی نظم بدیع آینده خواهد شد. هم هسته مرکزی و هم الگو.

حضور مبارک که مشرفّ بودم سال ۱۹۵۷ م، یک روز هیکل مبارک در این حدائق مقام اعلیٰ مشی می‌فرمودند. به مناسبتی آیه کتاب مستطاب اقدس و آیه کتاب مستطاب بیان راجع به نظم بهاء‌الله و نظم اعظم را تلاوت فرمودند. یک مکثی فرمودند، چون دیدم یک مکثی هست، بنده جسارت کردم و عرض کردم قربان تا این ترجمه هیکل مبارک نرسیده بود ما در ایران تصوّر می‌کردیم که مقصود نظم و ترتیب آیات کتاب اقدس است تا این که هیکل مبارک این موضوع را برای ما روشن فرمودند، اگر هیکل مبارک نبودند ما چه کار می‌کردیم؟ وقتی من این را عرض کردم، هیکل مبارک با یک لبخند بسیار لطیف و شیرین فرمودند: بله نیکلا فهمید، احبّاء نفهمیدند. مقصود هیکل مبارک از نیکلا یک مستشرق فرانسوی بود که در ایران بود و عاشق حضرت اعلیٰ شد، البتّه بابی نشد ولی عاشق آثار و قوای معنوی این ظهور عجیب شد و هم کتاب بیان فارسی را و هم کتاب بیان عربی را به فرانسه ترجمه کرد. و مقصود هیکل مبارک این بود که

هر چند نیکلا درست ترجمه کرده بود ولی احبّاء درست نفهمیدند. پس از دوره زیارت من رفتیم و در ترجمه نیکلا دقت کردم و متوجه شدم که نیکلا خوب ترجمه کرده بود.

در کتاب قرن بدیع (God Passes By) حضرت ولیّ امرالله می فرمایند:

«یکی از وظایف ولایت امرالله این بوده است که تعالیم و حقایق امریه را سیستم گذاری (Systematize) و طبقه بندی کنند».

حضرت ولیّ امرالله هم قسمت بندی و طبقه بندی فرمودند و هم روابط ضروریّه‌ای که بین این دو قسمت‌ها هست و اینها را به هم مرتبط و متصل می کند را برای ما توضیح داده‌اند. حضرت ولیّ امرالله یکی از اهداف نقشه ۱۰ ساله، تلخیص و تدوین احکام و نواهی و مندرجات کتاب اقدس قرار دادند و اضافه کردند که تهیه این جزوه از وظائف مخصوصه ارض اقدس است. لذا هیکل مبارک در اواخر ایّام مشغول تهیه این مجموعه شدند. بعد از صعود هیکل مبارک چون جزوه‌ها کاملاً تمام نبود یعنی قسمتی باقی مانده بود، اینها را بیت العدل اعظم ترتیب دادند و جزوه چاپ شد. این مجموعه به فارسی باید در اختیار احبّاء باشد. به شما اطمینان می‌دهم که ۹۹.۵٪ آن نتیجه زحمات خود هیکل مبارک است و مختصری که باقی مانده بود بیت العدل اعظم اضافه کردند. شما فهرست این کتاب را نگاه کنید و ببینید که به چه شکل است.

مادّه اول تعیین مقام حضرت عبدالبهاء است. مادّه دوم پیش بینی مقام ولایت امرالله است. مادّه سوم بیت العدل اعظم و وظایف آنها است. مادّه چهارم احکام است. همه اینها موادّ تابعه یک و دو دارد به صورت مرتّب. الایم فالایم. این از وظائف مبین است. این است که می فرمایند: سیستم گذاری تعالیم یکی از وظایف ولایت امر بوده است، اگر ما این وظیفه را مثلاً به یک لجنه‌ای واگذار می‌کردیم که شما لجنه دانشمندان امر هستید و بیائید یک تدوینی از موادّ کتاب مستطاب اقدس تهیه کنید. شما تصوّر می‌کنید مادّه اول را چه چیزی می‌گذاشتند؟ به عقل هیچ کس نمی‌رسید که موضوع عهد و میثاق را اول بگذارد. مادّه اول را لابد همان فقره اول کتاب مستطاب اقدس می‌گذاشتند که می فرمایند: شناسائی مظهر ظهور باید با تبعیت از اوامر او همیشه توأم باشد. تفکیک جایز نیست و اینها لازم و ملزوم یکدیگر هستند. لابد این را مادّه اول می‌گذاشتند. البته این موضوع در تدوین خودشان البته هست اما در محلّ خودش ذکر شده و یکی از موادّ قسمت چهارم است. درست دقت بفرمائید که هیکل مبارک چه هدیه‌ای به عالم امر داده‌اند.

مثال دیگر اینکه هیچ کس به عقلش نمی‌رسید که دور حضرت بهاء‌الله را می‌توانیم به سه عصر تقسیم نماییم، این را حضرت ولیّ امرالله به ما یاد داده‌اند. عصر رسولی که هفتاد و هفت سال می‌باشد، عصر تکوین که ما الان در این مرحله هستیم و در آینده عصر طلائی خواهد بود. این حقیقت را ما نمی‌دانستیم. این طبقه بندی را هیکل مبارک برای ما کرده‌اند. مثلاً راجع به مرحله اول می‌فرمایند که در عصر اول غرس دانه امرالله و پیدایش نهال و جوانه واقع شد. یعنی هفتاد و هفت سال. مرحله ریشه دوانی عمیق و رشد و نمو باید در عصر تکوین آغاز بشود و ادامه داشته باشد تا میقاتی که برای ما حال نامعلوم هست، تا به پایان برسد و عصر طلائی که عصر سوم است شروع بشود. یک مورد دیگر برای شما عرض می‌کنم که ببینید این سیستم گذاری هیکل مبارک چقدر اهمیّت داشته است. مثلاً در مورد جانشینی و موضوع عهد و میثاق می‌فرمایند که کتاب عهدی (همان طور که می‌دانید کتاب عهدی وصیّت نامه جمال مبارک است) شارح و توضیح دهنده کتاب مستطاب اقدس است. و وصایای حضرت عبدالبهاء متمّم کتاب مستطاب اقدس است. یکی شارح است و یک متمّم. اصطلاحات مبارک را شما دقتّ بفرمائید. در مورد رساله خودشان که دور بهائی است (Dispensation of Baha'u'llah) و در سنه ۱۹۳۴ م از قلم مبارک صادر شد می‌فرمایند که رساله دور بهائی که معروف به Dispensation است هم متمّم کتاب عهدی است و هم متمّم الواح وصایای حضرت عبدالبهاء می‌باشد. یعنی متمّم دو وصیّت نامه است. در بیانات شفاهی هیکل مبارک به زائرین می‌فرمودند که این رساله مانند وصیّت من است و این نصوصی که در اینجا هست که می‌فرمایند متمّم کتاب عهدی و متمّم الواح وصایای حضرت عبدالبهاء، این مسئله را تأیید می‌کند. ممکن است به همین علّت بوده است که خودشان یک وصیّت نامه معمولی را مرقوم نفرموده‌اند.

شما می‌دانید که این موضوع جانشینی در امر مبارک یکی از امتیازات این ظهور اعظم است. در ادوار گذشته عهد و میثاقی بوده است، منتهی به صورت شفاهی بوده و منصوص نبوده است ولی در دوره جمال مبارک این منصوص شده است و این سبب خواهد شد که هیچ وقت اختلافات داخلی منجر به انشقاق و انشعاب نخواهد شد. البتّه اختلاف امکان دارد. ما دیدیم بعد از صعود جمال مبارک اختلاف واقع شد. بعد از شهادت حضرت اعلی راجع به من یظهره الله و موضوع مستغاث اختلاف واقع شد. بعد از صعود حضرت بهاء‌الله اختلاف واقع شد ولی این اختلاف‌ها منجر به انشقاق نشد. این امتیاز این ظهور اعظم است. بعد از صعود حضرت عبدالبهاء

اختلاف واقع شد. بعد از صعود حضرت ولی امرالله اختلاف واقع شد ولی هیچ یک از اینها ریشه ندواندند و سبب انشقاق نشدند. جناب فیضی یک مثالی می‌زدند که خیلی مناسب بود. می‌فرمودند: درخت امرالله وقتی که دچار طوفان امتحان می‌شد، در سایر ادیان یک شاخه می‌شکست. در گذشته این شاخه را می‌کاشتند و این شاخه سبز می‌شد ولی جمال مبارک به ما ضمانت داده‌اند و اطمینان داده‌اند که هنگامی که شاخه شکست اگر هم بکارند سبز نمی‌شود بلکه می‌پوسد و از بین می‌رود. این اطمینان را به ما داده‌اند زیرا عهد و میثاق منصوص است. البته من امروز راجع به این موضوع که به چه شکل منصوص است وقت شما را نخواهم گرفت ولی شما اگر اهل تحقیق هستید، از شما خواهش می‌کنم سرفرصت سه بند کتاب مستطاب اقدس را به دقت در منزل مطالعه کنید. یکی بند شماره ۴۲، بنده شماره ۱۲۱، و بند شماره ۱۷۴. موضوع جانشینی در این سه بند به صراحت ذکر شده.

قبل از صعود حضرت بهاءالله برای احبای شرف کاملاً مسلم و محرز بود که جانشین ایشان غصن اعظم (حضرت عبدالبهاء) هستند. چون به این مسئله هم در کتاب مستطاب اقدس اشاره شده است و هم در سوره غصن و هم در الواحی که از قدم جمال اقدس ابهی خطاب به خود حضرت عبدالبهاء است. در نتیجه کاملاً برای احبای مسلم بود که بعد از جمال مبارک، حضرت عبدالبهاء مرجع و مرکز میثاق هستند. ولی قبل از صعود حضرت عبدالبهاء، احبای نمی‌دانستند که تکلیف به چه شکل خواهد شد، برای این که می‌دانستند که میرزا محمد علی که ذکرش در کتاب عهدی هست، نقض عهد کرده است. پس تکلیف بعد از صعود حضرت عبدالبهاء چیست؟ سؤال می‌کردند. حضرت عبدالبهاء گاهی می‌فرمودند که این یک سری است که بعداً کشف خواهد شد. گاهی به شکل دیگری جواب می‌دادند، نظر به استعداد و حال شخص سؤال کننده. مثلاً می‌فرمودند که بعد از من بیت العدل است. احبای واقعاً مطمئن نبودند که چه خواهد شد تا این آکه صعود واقع شد و الواح وصایا باز شد و معلوم شد که موضوع از چه قرار است.

غیر از این مسئله احبای اصلاً نمی‌توانستند تصور نمایند که یک عصری به پایان خواهد رسید و یک عصر جدیدی آغاز خواهد شد، در صورتی که حضرت عبدالبهاء همین مطلب را در نهایت ظرافت و نظافت بیان می‌فرمودند بدون این که پرده را بردارند. مثلاً در یک لوحی هست که در مجله نجم باختر چاپ شده است، در آنجا می‌فرمایند (تقریباً مضمون بیان مبارک است) که دوره ایشان دوره جشن عروسی است، در جشن عروسی زیاد نظم و ترتیب نیست ولی بعد از جشن،

عروس و داماد باید منزل خود را مرتب و منظم نمایند. به یک نوعی برای احباء به این صورت بیان می‌فرمودند. با این که از جمله بیانات شفاهی مبارک در غرب این بود که می‌فرمودند که دوره من دوره فضل است بعد از من دوره عدل خواهد بود، بفهمند که یک تغییراتی حاصل خواهد شد.

ولی از این دو مطلب مهم‌تر عبارتی هست که حضرت ولیّ امرالله از یکی از الواح حضرت عبدالبهاء در رساله Dispensation نقل فرموده‌اند. لوح مبارک عربی است. اصل بیان مبارک از این قرار است: «لا تخافی اذ قطع هذا الغصن من ارض الناسوت ان تسقط الورقات بل تنبت الورقات لانّ هذا الغصن ينمو بعد القطع من الارض و يعلو حتى تظلّل على الآفاق و تصل اوراقها الى الارجح الاعلی و یثمر بثمرات معطره للآفاق».

که مضمون فارسی آن این است: (ترس و خوف نداشته باشید که هر وقت این غصن از عالم ناسوت قطع شود، اوراقش نیز از حیات محروم خواهد شد. اوراق این غصن بعد از قطع شدن آن از این عالم سبز خواهد شد، نمو خواهد کرد و به مقامی از علوّ به اوج خود خواهد رسید. و به مقامی از علوّ و سمو خواهد رسید که جهان و جهانیان در ظلّش قرار خواهند گرفت و ثمراتش آفاق عالم را معطر خواهد ساخت).

ملاحظه بفرمائید که حضرت ولیّ امرالله عالم را به چه شکل استدلال می‌فرمایند که ببینید چطور حضرت عبدالبهاء ما را آماده کرده بودند برای این که یک عصر جدیدی آغاز خواهد شد که خودشان هم اسم تکوین را روی آن گذاشتند.

حضرت ولیّ امرالله در دو رساله یعنی همین رساله Dispensation و کتاب قرن بدیع توضیح دادند که ریشه‌های نظم اداری بهائی که خودشان می‌فرمایند تباشیر اولیه بوده، چطور در عصر رسولی ریشه‌های آن دیده می‌شود. شرح این ریشه‌ها و موارد در دو کتاب Dispensation و God Passes By از این قرار ذکر شده است. در الواح حضرت بهاءالله که در آن اساس بیت العدل بین المللی و بیوت عدل محلی صریحاً معین و مقرر گشته. در مؤسسه ایادی امرالله که بدو حضرت بهاءالله تأسیس و سپس حضرت عبدالبهاء آن را ادامه دادند. در اساس محافل روحانی محلی و ملی که حتی قبل از صعود حضرت عبدالبهاء در مرحله جنینی خود به ایفای وظایف خود مشغول بودند. در اختیاراتی که شارع آئین مقدس و مرکز میثاق در الواح خود به این محافل عنایت فرمودند. در اساس صندوق‌های خیریه محلی که اداره آن بر طبق دستورات مخصوص حضرت

عبدالبهاء خطاب به پاره‌ای از محافل روحانی در ایران بوده است. در آیات کتاب مستطاب اقدس که در آن تلویحاً به اساس ولایت امرالله پیش بینی شده. درباره اصل توارث و تقدّم ولد ارشد که در جمیع شرایع گذشته معمول بوده و حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح خود آن را تأیید می‌فرمایند. در جمیع این موارد، آثار و علائم اولیّه این نظم اداری و جریان آن مشهود است. نظمی که حضرت عبدالبهاء آن را بعداً در الواح وصایای خود اعلان و برقرار ساختند. این در Dispensation است. حالا به کتاب *God Passes By* می‌آئیم. این بیان مبارک است:

«باید متذکّر گردید که تابشیر اولیّه این نظم ابداع افخم و شواهد و سطوح این مقصد اتم در ایام مبارک حضرت عبدالبهاء و حتی در سنین قبل از صعود جمال اقدس ابهی آغاز و تمهیدات لازمه‌اش پیش از حصول عصر تکوین از طرف آن دو طلعت نورا جهت حصول این مقصد اعزّ اسنی اتّخاذ شده بود. از جمله تعیین و انتصاب بعضی از مؤمنین و پیروان مقدم شریعت الله در اقلیم جلیل ایران به مقام ایادی امرالله، از طرف حضرت بهاءالله (توضیحی عرض می‌کنم که چون ایادی امرالله یکی از مؤسّسات مهمّه نظم اداری بهائی است، بیت العدل اعظم مؤسّسه مشاورین را تعیین فرمودند که وظایف ایادی را در ترویج و صیانت امرالله اجرا بکنند ولی رتبه و مقام ایادی نداشته باشند) و تشکیل محافل شور در مراکز مهمّه بهائی در شرق و غرب به دستور حضرت عبدالبهاء، همچنین انتخاب هیئت معبد بهائی (Baha'i Temple Unity)، (این هیئت در آمریکا تأسیس شد و اولین هیئت منتخبه ملّی بود که در واقع می‌توان گفت مقده تشکیل یک محفل ملّی است).

و تأسیس صندوق‌های خیریه محلی برای تأمین خدمات و مجهودات امری و ابتیاع اراضی به منظور وقف در مصالح عمومیّه و رفع احتیاجات آتیه و ایجاد مؤسّسه نشریات جهت طبع و اشاعه آثار و ارتفاع اولین مشرق الاذکار (ببینید مشرق الاذکار را جزو نظم اداری حساب کرده‌اند). و ارتفاع اولین مشرق الاذکار بهائی در عالم (که البتّه اشاره به مشرق الاذکار عشق آباد است) و بنای مقام مقدّس اعلی در سطح جبل کرمل و انشاء مسافرخانه برای پذیرائی مبلغین سیار و زائرین اعتبار مقدّسه. این اقدامات و مشروعات را می‌توان فی الحقیقه طلیعه و مبشّر مؤسّساتی دانست که می‌بایستی پس از انقضای عصر رسولی یعنی در عصر تکوین به کمال نظم و اتقان، تأسیس و با جلوه و شکوه بر پا گردد».

همان طور که ملاحظه فرمودید این دو بیان مبارک، بعضی مواردش تکراری است و برخی غیر تکراری. البتّه علامت اولیّه نظم اداری یا نظم بدیع الهی نه فقط در اقدامات و مشروعات و اشاراتی که حضرت ولیّ امرالله ذکر فرموده‌اند آشکار و نمودار بود بلکه هم در کتاب بیان و هم در کتاب اقدس، عظمت و قدرت این نظم اعظم به صراحت مذکور است که بنده به آن اشاره کردم. و این بیان مبارک که بنده فقط قسمت اول آن را برای شما تلاوت کردم: «طوبی لمن ينظر الی نظم بهاءالله و يشکر ربّه و فانه يظهر (اشاره به جمال مبارک است) و لا مرد له من عندالله فی البیان». یعنی مردی ندارد و ردخور ندارد و ظهور جمال مبارک حتمی است.

و نیز فقط قسمت اول بیان کتاب مستطاب اقدس را خواندم. تمام آیه را برای شما تلاوت می‌کنم، ببینید با چه عظمتی راجع به این نظم بیان می‌فرمایند: «قد اضطرب النّظم من هذا النّظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الّذی ما شهدت عین الابداع شبهه».

که مضمون مبارک این است: (نظم عالم از پیدایش این نظم اعظم مضطرب و آشفته شده، ترتیب امور جهان از ظهور این ترتیب بدیع الهی از هم گسیخته شده زیرا این نظم و ترتیب، نظمی است که چشم خلاق در جهان نظیر آن را هرگز مشاهده نکرده است).

بدایت هر کاری غالباً همراه با مشکلات است. تأسیس محافل روحانی در ایران نیز همین طور بود. اولین محفل روحانی که با پایه گذاری خیلی مقدماتی تشکیل شد به حساب میلادی در سال ۱۸۹۷ م بود. در واقع پنج سال بعد از صعود جمال مبارک. و این سال اتفاقاً مصادف بود با تولّد مبارک حضرت ولیّ امرالله. ولی تشکیل این محفل به طور منظم تری دو سال بعد اتفاق افتاد یعنی در سال ۱۸۹۹ م، حسب الامر حضرت عبدالبهاء، ایادی امرالله هم در آن موقع در این محفل عضو بودند. ولی آن محفل اول را می‌خواهم برای شما عرض بکنم که این محفل چون نمی‌دانستند چه کار بکنند تصمیم گرفتند که باید حتماً مهر داشته باشد. و چون در کتاب اقدس می‌فرمایند که باید ۹ نفر باشند، نمی‌شود مهر ما یک مهر باشد و نزد یک نفر باشد، باید این مهر را به ۹ قسمت بکنیم تا در واقع ۹ قاچ بشود. هر یک از اعضاء یک قاچ در جیبش بود. هر عضو که جلسه می‌آمد با این قاچ خود می‌آمد. مذاکره می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند، بعد از این که تصمیم گرفته شد و نامه خوانده شد و فی المجلس شد، بعد از آن هر کس قاچ خود را می‌داد و قاچ‌ها را در قالبی می‌گذاشتند و در حضور همه نامه را مهر می‌کردند. جلسه هم که تمام می‌شد بعد از مهر



کردن نامه‌ها هر کس با قاچ خود به خانه بر می‌گشت. این طرز فکر ما بود. تا به تدریج ببینید چقدر حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله این مسائل را حل و مرتّب کردند.

همچنین در ایالات متّحده آمریکا اولین محفلی که تشکیل شد در سال ۱۹۰۱ م و در شیکاگو بود. اینها دیدند در کتاب مستطاب اقدس که در آن موقع یک ترجمه خیلی سطحی شده بود، باید بیت العدل باشد. بنابراین گفتند ما بیت العدل هستیم و عریضه‌ای عرض کردند حضور حضرت عبدالبهاء به امضاء بیت العدل شیکاگو. حضرت عبدالبهاء هم عنایتاً در جواب آنان را به بیت العدل شیکاگو مخاطب فرمودند. بعد از یک سال فرمودند که این بیت العدل را کنار بگذارید و خودتان را محفل روحانی بهائیان شیکاگو معرفی کنید و این کافی است. و این بساط بیت العدل نوشتن میقاتش بعداً خواهد رسید. این نظم اداری هنوز به مرحله بلوغ خود نرسیده است، هنوز در مرحله جنین هستیم. هنوز این طفل و در واقع این جنین متولّد نشده است.

من وقتی در مدرسه بودم، دایرة المعارف را باز کردم و برای اولین دفعه عکس جنین را دیدم، وحشت کردم. واقعاً زیبایی در این جنین اصلاً وجود ندارد. یک کله و یک شکم بزرگ دارد و دو دست کوچک و دو پای کوچک. بدون اغراق من واقعاً وحشت کردم. با خودم گفتم من هم واقعاً به این شکل بودم؟ حالا تشکیلات ما به این شکل است. ما در مرحله جنین هستیم، هنوز به حدّ بلوغ نرسیده‌ایم تا بعداً نظم اداری بشود نظم جهان آرای الهی. اگر نواقصی می‌بینیم یک قدری صبر و حوصله با هم داشته باشیم، درست خواهد شد و این طفل در نهایت زیبایی متولّد خواهد شد. هنوز متولّد نشده است. ما داریم الان با هم همکاری می‌کنیم که این طفل متولّد بشود، خودمان هم جزو این جنین هستیم.

الواح وصایای حضرت عبدالبهاء وقتی که اعلان شد، ما تصوّر می‌کردیم که مقصود از این سند این است که حضرت ولیّ امرالله شوقی افندی را، بعد از خودشان معین بفرمایند. ولی حضرت ولیّ امرالله در مورد الواح وصایا می‌فرمایند که این منشور نظم اداری بهائی است و نیز منشور مدنیت آینده بهائی خواهد بود. منتهی ما خیال می‌کردیم که این الواح وصایا است و شب‌های صعود باید از الواح وصایا بخوانیم و آن قسمت‌هایی را می‌خواندیم که مربوط به حضرت شوقی افندی بود که ولیّ امر هستند، آیت الهی هستند، مبین آیات هستند، مرجع کلّ هستند و همه باید اطاعت بکنیم. ما خیال می‌کردیم که مقصود فقط همین است در صورتی که می‌فرمایند که این

منشور نظم اداری بوده و این در آینده منشور مدنیت بهائی محسوب خواهد شد. ببینید چقدر فهم ما با دید و بینائی حضرت ولی امرالله فرق دارد.

بعد از صعود حضرت عبدالبهاء در یک توقیعی به فارسی که تاریخ آن پانزدهم فوریه ۱۹۲۲ م

که در واقع دو ماه و دو هفته بعد از صعود حضرت عبدالبهاء است، می فرمایند:

«تکلیف شدیدم آن است که افکار را حصر نموده و به تمام قوا و به مشورت احبّاء متوجّهاً الیه معتمداً علیه تمهیدات لازمه مهمّه را از برای تشکیل آن مرجعی که در مستقبل حلال مشکلات و واضع احکام و شرایع غیر منصوصه و مبین امور مبهمه است، حتّی المقدور فراهم آورم».

دو ماه و چند روز بعد از صعود این جوان ۲۴ ساله، خطاب به احبّای ایران می فرماید که من

تکلیفم این است که تمهیدات و مقدمات را برای تشکیل بیت العدل اعظم فراهم کنم.

یک مسئله ای را باید در اینجا توضیح بدهم که این مبین امور مهمّه با مبین آیات الهی فرق

دارد، یکی نیست و این تبیین امور مبهمه متکی بر این بیان حضرت عبدالبهاء است در الواح

وصایا که می فرمایند که بیت العدل اعظم در مسائل مبهمه آن چه تقرّر یابد همان مانند نصّ

است. این وظیفه حلّ مسائل مبهمه را به بیت العدل اعظم واگذار کرده اند. حالا امور مبهمه یعنی

چه؟ یعنی اموری که خیلی روشن نیست و مبهم است. مثلاً الواح وصایا ضمانتی می دهد که

مؤسسه ولایت امرالله برای همیشه باقی و برقرار خواهد بود و نیز دستور العمل صریحی ذکر نشده که

اگر سلسله ولایت قطع شود چنین و یا چنان باید کرد. این مسائل از امور مبهمه است. بیت العدل

اعظم در توقیعات و ابلاغیه های خودشان این امور را مطرح فرموده اند و در اطرافش توضیحات

لازمه را داده اند. سه ابلاغیه هست که در مجموعه ابلاغیه های بیت العدل اعظم درج شده، اگر

شما بتوانید این توضیحات را تحصیل و مطالعه کنید. سه توقیع است که این امور مبهمه را آنجا

شرح می دهند، در همان سال های اول بعد از صعود حضرت ولی امرالله.

ببینید حضرت ولی امرالله چقدر با احتیاط و با چه حکمتی امور امری را اداره می فرمودند.

مثلاً با وجود این که می فرمودند که این الواح وصایا منشور نظم اداری است ولی در آثار خودشان

برای مدّت ۱۳ سال بعد از صعود هیچ وقت این کلمه نظم اداری را به این معنی که در اول عرض

کردم استعمال نفرمودند، بساط تشکیلات موجود بود، محافل بود، دوائر امری بود، لجنات بود،

همه این موارد بود اما هیچ وقت در انگلیسی یا فارسی نفرمودند که این نظم اداری است. این

اسم خاصّ یعنی نظم اداری را نگه داشتند. در سال ۱۹۳۴ م وقتی که Dispensation را مرقوم

فرمودند، تشکیلات امری را به این اسم موسوم فرمودند. در این مدّت ۱۳ سال به انگلیسی می‌فرمودند: Baha'i Administration به جای Administrative Order. به فارسی تشکیلات بهائی و نه نظم اداری بهائی. پس حتّی نمی‌خواستند برای مدّت ۱۳ سال اوّل، طوری باشد که احبّاء تصوّر کنند این همان نظم اداری است که حضرت بهاءالله پیش بینی کرده‌اند. ولی وقتی که در ۱۹۳۴ م محفل روحانی ملّی ایران تشکیل شد و تعداد محافل ملّی در عالم به هشت محفل ملّی رسید، در آن موقع عنوان Administrative Order استعمال شد. در این مدّت، از سال ۱۹۳۴ م به بعد، در ظرف مدّت نوزده سال تعداد محافل ملّی در عالم از هشت محفل به دوازده محفل ملّی رسید. یعنی در قطعه آمریکا، یعنی در نیمکره غربی، چهار محفل ملّی، در هر یک از اروپا و آسیا، سه محفل ملّی، در هر یک از آفریقا و جزایر اقیانوس آرام یک محفل ملّی، جمعاً دوازده محفل شد. و همان طور که می‌دانید در سال ۱۹۵۳ م که مصادف بود با صدمین سال اظهار امر سّری حضرت بهاءالله در سیاه چال طهران، مشروع نقشه ده ساله را آغاز کردند، این نقشه را مشروع کبیر اکبر نامیدند. و در اواسط این نقشه ده ساله خودشان صعود فرمودند. ولی پس از صعود مبارک، احبّاء آرام ننشستند چون در توقیعات خودشان از احبّاء عهد گرفته بودند که هر اتّفاقی در طیّ این نقشه واقع شود، احبّاء باید هر یک از اهداف را بهر قیمتی شده اجرا کنند. لذا وقتی که صعود مبارک واقع شد، عده زیادی از احبّای جهان قیام کردند و گفتند که این نقشه تکلیف و وظیفه ما است، و انتظار حضرت ولیّ امرالله، باید اجرا کنیم و ایادیان عزیز امرالله که بیست و هفت نفر بودند زمام امور را به دست گرفتند. چون در مورد حضرات ایادی امرالله می‌فرمایند حارسان امرالهی هستند، مقام خاصّی داشتند و در ظلّ قیادت این نفوس نفیس، سایر اهداف عمده اداری اجراء شد و تعداد محافل روحانی به پنجاه و شش محفل ملّی رسید.

اگر یادمان باشد موضوع به اینجا منتهی شد که صعود مبارک حضرت ولیّ عزیز امرالله در اواسط نقشه ده ساله واقع شد و احبّاء الحمدلله در ظلّ قیادت ایادی عزیز امرالله قیام کردند و تا آن جائی که ممکن بود اهداف نقشه را اجرا کردند. عرض کردم که تعداد محافل در اوّل نقشه، دوازده محفل ملّی بود، در پایان نقشه به پنجاه و شش محفل ملّی رسید، از برکت همین نقشه ده ساله حضرت ولیّ عزیز امرالله. علاوه این پنجاه و شش محفل نمایندگان خود را به ارض اقدس فرستادند و اوّلین انجمن شور روحانی بین المللی در همان سال ۱۹۶۳ م در ارض اقدس تشکیل

شد و اعضای بیت العدل اعظم انتخاب شدند. بر طبق منویات حضرت ولی امرالله که فرموده بودند من مقدمات را برای تشکیل بیت العدل اعظم تهیه خواهم کرد.

و اما درباره پیشرفت‌های مهمه بعد از تشکیل بیت العدل اعظم، رئوس مطالب را برای شما عرض می‌کنم. در این مدت اقدامات اولیه بیت العدل همین بود که قانون اساسی خودشان را وضع نمایند و برای اولین دفعه یک قانون اساسی بین‌المللی بهائی چاپ و منتشر گردید. جسارتاً پیشنهاد می‌کنم که این قانون اساسی را به دقت مطالعه کنید، خیلی اهمیت دارد. مطالب اساسی در این قانون درج شده که باید اهل بهاء به آنها کاملاً آشنا باشند. هیئت مشاورین قاره‌ای معین شد و بلافاصله هیئت تبلیغ بین‌المللی تأسیس شد و از آن موقع تا حالا بیت العدل اعظم هشت نقشه تبلیغی را وضع و اعلان فرموده‌اند و این نقشه فعلی ما که مدت‌ش پنج سال است، نقشه نهم می‌باشد.

تعداد محافل ملی به بیش از صد و هشتاد محفل ملی در عالم رسیده است. آثار و تعالیم مبارک تقریباً به هشتصد زبان چه ملی و چه ایالتی ترجمه و منتشر شده است. بنا به تشخیص دایرةالمعارف (Encyclopedia Britannica) توسعه و گسترش جامعه بهائی در سراسر جهان بیش از سایر ادیان معتبره دنیا هست به استثنای مسیحیت. شعب جامعه بین‌المللی بهائی در دوائر سازمان ملل به رسمیت شناخته شده و مشغول فعالیت هستند و اقداماتشان بسیار مؤثر است هم در نیویورک و هم در ژنو. اینها یک نظر خیلی اجمالی است از موفقیت‌هایی که در این چهل و پنج سال انجام شده است. و این نظم اداری مدام در حال توسعه است. باش تا صبح دولت‌ش بدمد کاین هنوز از نتایج سحراست.

حضرت ولی امرالله توضیح دادند که این نظم اداری مستند بر سه منشور است. یکی از این سه منشور را بنده قبلاً ذکر کرده‌ام که منشور نظم اداری بهائی یعنی الواح وصایای حضرت عبدالبهاء می‌باشد. علاوه بر این منشور، دو منشور دیگر را حضرت ولی امرالله ذکر فرموده‌اند که اینها اساس و پایه اقدامات نظم اداری بهائی است. منشور اول که در واقع از همه این سه منشور مهم‌تر است، لوح مقدس کرمل می‌باشد که از لسان جمال اقدس ابهی در کوه کرمل نازل شد. حضرت ولی عزیز امرالله می‌فرمایند که این لوح منشور تأسیسات بین‌المللی نظم اداری در اراض اقدس است و منشور آخر و سوم عبارت است از چهارده لوحی که در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ م از قلم مبارک حضرت عبدالبهاء صادر شد. این چهارده لوح به تدریج در این مدت دو سال نازل شد و این

معروف شد به فرمان تبلیغی حضرت عبدالبهاء که به انگلیسی معروف است به *Tablets of the Divine Plan*. این الواح حضرت عبدالبهاء هر چند خطاب به احبای آمریکا و کانادا است اما در واقع یک پیام عمومی جهانی است که حضرت ولیّ امرالله می فرمایند که این فرمان تبلیغی اهل بهاء است و در این چهارده لوح حضرت عبدالبهاء به اسم، کشورهایی که هنوز فتح نشده اند ذکر می فرمایند که باید مهاجرین به این نقاط بروند. ۱۲۱ کشور را به اسم در این الواح ذکر فرموده اند و حضرت ولیّ امرالله فرموده اند که این نقشه ده ساله مبتنی بر این چهارده لوح است.

می دانید که تولّد مبارک حضرت بهاءالله در سال ۱۸۱۷ م واقع شد. ۱۹۱۷ م صدمین سال میلاد حضرت بهاءالله می شد. حضرت عبدالبهاء در ارض اقدس بودند و جنگ بین المللی اول در جریان بود. اجتماع احبای عزیز الهی در جهان برای صدمین سال تولّد جمال اقدس ابهی امکان پذیر نبود، بنابراین حضرت عبدالبهاء در عوض به تدریج این چهارده لوح را نازل فرمودند. حالا ما سال ۲۰۱۷ م را هم در پیش داریم یعنی ده سال دیگر که می شود دویست سال بعد از میلاد جمال اقدس ابهی، شاید بیت العدل اعظم تصمیم بگیرند که جشن های بین المللی جامعه بهائی در سال ۲۰۱۷ م صورت بگیرد. باید خودمان را آماده آن روز بکنیم.

راجع به منشور اول باید قدری توضیح بدهم. فعالیت های نظم اداری منحصر به محافل ملی و محافل محلی نیست، ارض اقدس نیز اهدافی دارد. حضرت ولیّ امرالله می فرمایند که لوح کرمل را احباء باید حفظ کنند. جوان که بودم این لوح را حفظ بودم البته حالا دیگر ذهن یاری نمی کند. حقّ می داند می خواندیم و تلاوت می کردیم ولی کاملاً نمی فهمیدیم که مقصود مبارک حضرت بهاءالله چیست. حضرت ولیّ امرالله فرمودند که مقصود حضرت بهاءالله از کعبه الله در این لوح، مقام مقدّس حضرت اعلی در قلب کوه کرمل است و مقصود مبارک حضرت بهاءالله از سفینه الله، مرکز جهانی اداری بهائی است که راکبانش اعضای بیت العدل اعظمند، این را ما نمی دانستیم. ولی در اواخر ایام از ۱۹۵۱ م به بعد حضرت ولیّ امرالله شروع کردند در توقیعات فارسی و انگلیسی معنی این لوح کرمل را بیان فرمودند. ما آن موقع فهمیدیم که چرا حضرت عبدالبهاء این قدر به این لوح اهمیت می دادند و چرا سواد این لوح را دستور دادند نوشتند و در مسافرخانه کوه کرمل نصب شده است. ما نمی فهمیدیم، خیال می کردیم چون ذکر کرمل در کتب مقدّسه شده، جمال مبارک به اینجا تشریف آورده اند، لذا اهمیت دارد، نمی دانستیم که این نکات در این لوح کرمل هست. مقام حضرت اعلی و مقرّ بیت العدل اعظم به اراده حضرت بهاءالله در این کوه باید

مستقر می‌شدند. هم مرکز روحانی ما در آنجا است و هم مرکز اداری ما. حضرت ولیّ امرالله می‌فرمودند یکی از امتیازات این ظهور در این است که مرکز اداری و مرکز روحانی هیچ وقت از هم جدا نخواهد شد. در سایر ادیان مرکز اداری از مرکز روحانی که محلّ زیارتگاه بود، جدا شد. این دو همیشه با هم خواهند بود. با تمام اهمیّتش که مقام حضرت اعلیٰ دارد که حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند که این مقام مرکز دوائر تسعة جهان است با وجود این اهمیّت و شرافت، می‌فرمایند که مقام حضرت اعلیٰ در ظلّ مقام حضرت بهاءالله یعنی روضه مبارکه در بهجی و در آینده زائرین اوّل به زیارت مقام حضرت بهاءالله در بهجی مشرف می‌شوند و بعد به حیفا می‌آیند برای زیارت مقام حضرت اعلیٰ. به نظر بنده این نکته خیلی اهمیّت دارد. مکرّر می‌فرمودند که ارض اقدس هم قلب روحانی است و هم قلب اداری جامعه بهائیان عالم است. هم قلب العالم است و هم قبة الامم؛ هم قلب است و هم قبله. بیت العدل اعظم که در رأس این نظم اداری هستند، تا پایان این دور حضرت بهاءالله که اقلّاً باید هزار سال باشد، به وظایف خود قائم و همیشه مقرر آن در ارض اقدس خواهد بود.

از سنه ۱۸۶۸ م که جمال اقدس ابهی به ارض اقدس تبعید شدند تا سنه ۱۹۳۸ م یعنی مدّت هفتاد سال در موجودیّت امر بهائی در ارض اقدس تحولاتی حاصل شد. در بدایت تعداد بهائیان که مقیم ارض اقدس بودند غیر از جمال اقدس ابهی، هفتاد نفر بود. مظهر ظهور کلیّ الهی، با هفتاد نفر که در رکاب مبارک بودند به تدریج در این مدّت هفتاد سال تعداد احباء در نتیجه توارث و تناسل به سیصد و پنجاه نفر رسیده بود. حضرت ولیّ امرالله از آن سال به بعد شروع کردند به تدریج به احبائی که مقیم ارض اقدس بودند تذکر دادند و گاهی هم امر می‌فرمودند که در نقاط مختلف شرق متشکّث شوند و در آن اقالیم مستقر گردند. هم نظر به کثرت این جامعه بود که نمی‌خواستند این همه در ارض اقدس جمع باشند و هم نظر به انقلابات ارض اقدس. این بود که به تدریج این خانواده‌های سیصد و پنجاه نفر به نقاط مختلف از قبیل ایران، مصر، عراق، اردن، سوریه رفتند. خود هیکل مبارک نظر به مقتضیّات هر فامیل محلّ اقامت جدید را معین می‌فرمودند. این است به تدریج وضع مرکزیت و موجودیّت امر بهائی در ارض اقدس عوض شد. به جای این که هم مرکز مرجع امر باشد و نیز دارای یک جامعه محلی باشد، منحصراً مقرر مرکزیت و مرجعیّت امر شد. دیگر جامعه محلی به آن شکل وجود نداشت و این به نظر بنده یکی از مقتضیّات امرالله بود. آن چه منظور نظر مبارک حضرت بهاءالله در لوح کرمل بود به تدریج تحقّق یابد. و همین طور

که می‌دانید این مرکز اداری بهائی در اراض اقدس هم در دوره حضرت ولیّ امرالله مورد شناسائی دولت محلّ بود و هم در این ایام همین طور از دولت محلّ شناسائی کامل رسمی به جامعه بهائی در اراض اقدس اعطاء شده است.

اقدام دیگر حضرت ولیّ عزیز امرالله که جزو معانی خفیه لوح کرمل است، این بود که باید اراضی زیادی خریداری بشود. هم حول روضه مبارکه در بهجی و هم حول مقام حضرت اعلی در کوه کرمل. به تدریج اراضی را خریداری فرمودند و به حدائق مبدل فرمودند و بقاع نورانیّه متبرکه زیبا ترتیب دادند تا زائرین و دیگران بتوانند همه این مراکز را زیارت کنند. علاوه بر این تزئین مقام حضرت اعلی و بنای خارجی مقام مبارک و نصب گنبد ذهبی و شروع به تأسیس طبقات، تمام اینها مقدماتی بود که در آینده نوایای حضرت ولیّ امرالله اجرا کردند. و از جمله اقدامات دیگر تعیین ایادی امرالله طبق الواح وصایا بود و ایجاد شورای بین المللی بهائی بود که آن هم اقدام شد. جمیع این اقدامات برای این بود که این بشارتی که در لوح کرمل منظور شده، تحقّق پیدا کند.

اما منشور سوّم که فرمان تبلیغی حضرت عبدالبهاء است. اجرای این فرمان الهی مشروط به استحکام ارکان نظم اداری بود لذا حضرت ولیّ امرالله منتظر شدند تا این استحکام لااقل در یک کشور عملی گردد و در نتیجه در سنه ۱۹۳۷ م اولین نقشه تبلیغی ملی به امر مبارک در ایالات متّحده آمریکا و کشور کانادا آغاز شد و به تدریج سایر محافل ملی تأسی به این نقشه اولیه نمودند تا بالمال همان طور که ذکر شد نقشه مبارکه ده ساله جهان اعلان و اجرا شد و از این طریق مقدمات تأسیس بیت العدل اعظم فراهم گردید.

حال باید راجع به روح نظم اداری صحبت کنیم و لازم است که از بیانات مبارک نقل کنیم. حضرت ولیّ امرالله در همان اوائل دوره ولایت خطاب به احبّای ایران می‌فرمایند: «اعضای منتخبه در هر نقطه قبل از مباشرت به انجام وظایف مقدّسه خویش رجوع به کلمات الهیه نمایند و در زبر و الواح مقدّسه تفحص و تفرّس نمایند. باید خود را خادم امین حقیقی احبّاءالله بشمارند. نظر را متوجّه و حصر در منافع عموم و مصالح امرالله نمایند نه ناظر به اشخاص و متمسک به مقاصد و مآرب شخصیه گردند».

در یک توقیع دیگر می‌فرمایند: «اساس این محافل به دو ستون قائم و بر پا و پیشرفت و تقدّمش به دو امر مشروط و متوقّف. اول اعتماد کامل و ثقّه تام و اطاعت و انقیاد و تأیید و تقویّت

یاران نسبت به اعضاء محفل روحانی خویش و ثانی فریضه اعضای هر محفلی در ملاحظه و اجرای مصالح عمومی امریه، نه نظر به مآرب و مقاصد شخصیّه نفوس... تا چنین نگردد و نفعه خوش الفت و وداد و اتّفاق و اتّحاد نوزد امیدی نبوده و نیست. دیگر بیش از این گفتن مرا دستور نیست. انّی افوض امری و امرکم الی الله و الله خیر الحافظین».

و در بیانات انگلیسی مبارک: «امر بهائی، باید مانند کلیه ادیان دیگر، اساساً از خصیصه عرفانی برخوردار باشد. هدف اصلی آن ارتقاء و ترقی فرد و جامعه از طریق کسب فضائل و قوای روحانی است. ابتدا باید روح انسانی را پرورش داد. آن چه به بهترین وجه این تربیت را تأمین می نماید توسّل به ذیل دعا است. احکام الهی و تشکیلات امریه، آنگونه که حضرت بهاءالله ملاحظه می فرمودند، تنها در صورتی می تواند مؤثر باشد که حیات روحانی و باطنی ما رو به کمال گذاشته تقلیب شده باشد و الاّ دیانت در حدّ سازمان و تشکیلات صرف تنزّل و تدنّی خواهد کرد و به موجودی محروم از روح و جان مبدّل خواهد شد».

و نیز توقیع دیگر: «اعضاء منتخبه نباید هرگز چنین تصوّر نمایند که به منزله زینت و زیور هیکل امرالله شده اند و فطرتاً از حیث استعداد و یا لیاقت بر دیگران تفوّق دارند و یا یگانه مروجین تعالیم و اصول امرالله هستند بلکه باید با کمال خضوع به وظایف خود قیام نمایند با فکری آزاد از هر گونه تقیّد و از روی نهایت انصاف و وظیفه شناسی و با صراحت و سادگی و با تعلق تامّ به منافع و مصالح یاران و امرالله و عالم انسانیت چنان همّتی نمایند که نه تنها مورد اطمینان و پشتیبانی واقعی و احترام موکلین خود واقع شوند، بلکه باید قدرشناسی قلبی و محبّت صمیمی آنان را نیز جلب نمایند و در جمیع احیان از روح تفوّق جوئی و استکبار و پرده پوشی اجتناب نمایند و از رفتار تسلّط طلبی بیزار شوند و در مشاورات خود هرگونه تعصّبات و امیال شخصی را کنار گذارند».

در یک توقیع دیگر: «در گذشته اشخاصی که خود را اعلم و اجلّ می دانستند مایه تفرقه و جدائی می شدند و نفوسی که خود را افضل از کلّ می دانستند، سبب اختلاف می گشتند. ولی الحمد لله قلم اعلی این استبداد رأی افراد علماء و فضلاء را از میان بردند و قول و افراد را ولو اعلم علماء و افضل فضلاء باشند میزان قرار ندادند و امور را به مراکز منصوصه و محافل مخصوصه راجع نمودند. حتّی هیچ محفلی را در امور کلیه عمومیّه مختار علی الاطلاق نداشتند. بل جمیع محافل مقدّسه را در ظلّ یک بیت العدل یعنی یک مرکز اعظم الهی خواندند تا مرکز، مرکز واحد باشد و جمیع در ظلّ محور منصوص و مخصوص حکم یک نفس یابند».



بیت العدل اعظم در اهمیّت این مسئله روح نظم اداری در یکی از مکاتیب خودشان از بیانات جمال اقدس ابهی نقل می‌فرمایند و این بیان مبارک در ادعیه محبوب در ضمن لوح اتحاد چاپ شده. با این بیان مبارک که تلاوت خواهد شد و توضیحاتی که بیت العدل اعظم بعد از آن برای ما مرقوم فرموده‌اند، عرائض خود را برای امروز صبح تمام می‌کنم.

بیان مبارک حضرت بهاءالله: «از جمله اتحاد مقام است و اوست سبب قیام امر و ارتفاع آن مابین عباد. برتری و بهتری که به میان آمد، عالم خراب شد و ویران مشاهده گشت. نفوسی که از بحر بیان رحمن آشامیده‌اند و به افق اعلیٰ ناظرند، باید خود را در یک صقع و یک مقام مشاهده نمایند. اگر این فقره ثابت شود و به حول و قوه الهی محقق گردد، عالم جنت ابهی دیده شود. بلی، انسان عزیز است، چه که در کلّ آیه حقّ موجود و لکن خود را اعلم و ارجح و افضل و اتقی و ارفع دیدن خطائی است کبیر. طوبی از برای نفوسی که به طراز این اتحاد مزینند و من عندالله موفّق گشته‌اند...».

بیت العدل اعظم بعد از نقل این بیان مبارک چنین توضیح و تأکید می‌فرمایند: «ادب و احترام، متانت و رعایت مراتب و موقیّت‌های دیگران فضائلی است که در هماهنگی و سعادت هر جامعه‌ای البته مؤثر است، اما غرور و نخوت و خودستائی از جمله مهلک‌ترین معاصی هستند. هدف غائی زندگانی برای هر نفسی باید وصول به اعلیٰ مدارج روحانیه باشد تا رضای الهی را کسب کند. مقام روحانی حقیقی هر نفسی عندالله معلوم و مشهود است و با مراتب و مقاماتی که رجال و نساء در بخش‌های گوناگون جامعه کسب می‌کنند، تفاوت دارد. هر نفسی که دیده به هدف وصول به رضای الهی دوخته باشد، با کمال مسرت و رضایت تامّ هر مقام یا مأموریتی که در امر الهی به او محوّل گردد، می‌پذیرد و از خدمت به آستان الهی در جمیع شرایط قرین انبساط و اهتراز خواهد شد.»